

بررسی تطبیقی انتخاب طالوت به عنوان پادشاه بنی اسرائیل در تفسیر قرآن و عهد عتیق

هاشم کدکنی*

محمد فاکر میبیدی**

چکیده

شبهه اقتباس قرآن کریم از عهدین یکی از شبهات اساسی مستشرقان به قرآن است. یکی از دلایل قائلان به این شبهه، شباهت‌هایی است که بین قرآن و عهدین وجود دارد و برخی موارد آن در قصص قرآن و داستان‌های عهد عتیق جلوه‌گر شده است. با مقایسه تطبیقی تفسیر قصص قرآن و داستان‌های عهد عتیق و استخراج تفاوت‌های آن می‌توان به این شبهه پاسخ گفت. یکی از این نقل‌های مشترک، حکایت درخواست پادشاه توسط بنی اسرائیل است که در نتیجه خدای متعال فردی را به‌عنوان پادشاه قوم برمی‌گزیند. این فرد در قرآن «طالوت» و در عهد عتیق «شائول» نام دارد. در این قصه شباهتی اندک و تفاوت‌هایی بسیار میان نقل قرآن و عهد عتیق مشاهده می‌شود؛ شیوه نقل حکایت و قصص در قرآن و عهد عتیق متفاوت است و پیامبران و شخصیت‌های برجسته در عهد عتیق هیچ‌گونه تقدسی ندارند. قرآن داشتن تخصص و دانش و همچنین توانایی و قدرت جسمانی را شرط لازم برای رهبری می‌داند ولی در عهد عتیق فقط به قدرت جسمانی اشاره شده است. روایات تفسیری و بیان تفاسیر نیز در این زمینه گاه هم‌سو با عهد عتیق و گاه متفاوت با آن است.

واژگان کلیدی

بررسی تطبیقی، قرآن و عهدین، عهد عتیق، طالوت، شائول.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام.
(نویسنده مسئول)
sib202020@yahoo.com

m_faker@miu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

** استاد جامعه المصطفیٰ (ع) العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۰

طرح مسئله

قرآن و کتاب مقدس به‌عنوان دو کتاب آسمانی حکایت‌های مشترک بسیاری را نقل کرده‌اند. منشأ این اشتراک، آن‌گونه که برخی از مستشرقان داعیه آن را دارند، اقتباس قرآن از کتاب مقدس نیست. (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۶ - ۱۴۲) بلکه این اشتراک به‌خاطر این است که هر دو کتاب در اصل، ریشه در وحی دارند، اما در همه موارد اشتراکی، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که این تفاوت‌ها در گام نخست نظریه اقتباس را رد کرده و در مرحله بعد تحریف و تغییر را در یکی از این دو منبع اثبات می‌کند؛ با توجه به اثبات عدم تحریف در قرآن توسط مسلمانان (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴: ۸۴ - ۸۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۲۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۱۰۱؛ طنطاوی، بی‌تا، ۱ / ۸؛ خویی، ۱۹۶۶، ۲۱۸؛ معرفت، ۱۳۷۹) و اثبات تحریف در عهدین توسط بسیاری از معتقدان به آن، (ویلسون، ۱۳۸۱: ۲۷؛ کائوتسکی، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۳) تنها منبع مورد اعتماد برای داستان‌های مشترک، قرآن است.

قصه انتخاب طالوت به پادشاهی، در قرآن و عهد عتیق ذکر شده است. جدا از تفاوت در سبک قصه‌گویی قرآن، تفاوت‌های دیگری که به تضاد هم می‌رسد در این حکایت در دو منبع وجود دارد. بعضی تفاوت‌ها ناشی از نوع خدانشناسی انسان‌وار عهد عتیق است و بعضی تفاوت‌ها در اصل داستان رخ می‌نماید. بعضی از جریاناتی که قرآن در این قصه بیان کرده، در حکایتی دیگر در عهد عتیق بیان شده است. در این تحقیق ابتدا گزارش عهد عتیق از این واقعه بیان شده و سپس قصه مذکور در قرآن مطرح می‌شود و موارد اشتراک و افتراق دو منبع تبیین شده و درباره آن قضاوت خواهد شد؛ سپس روایات تفسیری و نقل تفاسیر درباره جزئیات این قصه و اشتراک‌ها و تفاوت‌های آن با عهد عتیق بیان خواهد شد.

قبل از بیان قصه پادشاهی طالوت بیان چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

معرفی و اعتبار عهدین

آنچه امروز به‌عنوان کتاب مقدس شناخته می‌شود همان کتاب زمان پیامبر ﷺ است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۰) کتاب مقدس شامل دو بخش غیرمساوی است که به‌نام عهد عتیق و عهد جدید معروف است، از این‌رو به آن عهدین می‌گویند.

مسیحیان کتاب‌های مربوط به دوره قبل از حضرت عیسی ﷺ را عهد عتیق و کتاب‌های مربوط به دوره بعد از حضرت مسیح ﷺ را عهد جدید می‌نامند.

هر چند نگاه سنتی درباره نویسندگان کتاب‌های عهد عتیق این است که نویسندگان هر کتاب همان

شخص خاصی است که کتاب به او نسبت داده شده است و به سختی از الهامی بودن^۱ تمام آن دفاع می‌کنند، اما منتقدان معتقدند این متون بشری و پر اشتباه هستند (کاتوتسکی، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۴) و دلیل آن افزون بر وجود اختلاف‌های متعدد درون‌متنی، وجود تعارض با علوم تجربی است، برای نمونه بسیاری از نقل‌های عهد عتیق با یافته‌های باستان‌شناسی در تضاد است؛ طبق این یافته‌ها، شهر عراد و حشبون که طبق نقل کتاب مقدس توسط حضرت موسی علیه السلام فتح گردید، (تثنیه: ۲ / ۳۷ - ۲۶) در آن زمان و در واقع در طول هزاره دوم قبل از میلاد به‌طور کلی خالی از سکنه بوده است و نمی‌توانسته مردمان و پادشاهی داشته باشد تا به جنگ بنی‌اسرائیل بیایند و همین مسئله در مورد شهرهای سرزمین عای، حبرون، جبعون و اریحا که براساس کتاب مقدس در زمان یوشع فتح شده (یوشع: ۶ و ۱۱ - ۸) نیز صدق می‌کند. (skolnik, 2006: 20 / 167)

عهد جدید نیز همانند عهد عتیق است. هرچند قرآن کریم از انجیل به‌عنوان کتابی که بر حضرت مسیح علیه السلام نازل شده سخن گفته است (آل عمران / ۳ و ۶۵؛ مائده / ۴۶ و ۴۷؛ مریم / ۳۰؛ حدید / ۲۷) اما به اقرار خود مسیحیان هیچ‌یک از کتاب‌های عهد جدید به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده نشده و کتابی برای او فرض نشده است، اما با این وجود در الهیات سنتی مسیحی تمام کتاب مقدس را به‌عنوان الهام خداوندی دانسته و معتقدند این کتاب توسط خدای لایزال به مسیحیان بخشیده شده است (تیسن، بی‌تا: ۴۶) اما وجود تعارض‌های چهار انجیل مورد پذیرش که به حد تضاد هم می‌رسد، و حیانی بودن آن را رد می‌کند و اصالت سخنانی که در این انجیل به حضرت مسیح علیه السلام نسبت داده شده نیز محرز نشده است. (ویلسون، ۱۳۸۱: ۲۷)

برای نمونه یکی از معجزات حضرت مسیح علیه السلام که همه انجیل‌ها به آن تصریح دارند و قرآن کریم نیز به آن اشاره نموده (آل عمران / ۴۹) زنده کردن مردگان است، اما این معجزه در مورد زنده کردن دختر یایرس قدری متفاوت نقل شده است؛ در انجیل مرقس و لوقا پدر دختر نزد حضرت مسیح آمده و می‌گوید دخترم در حال مرگ است. (مرقس: ۵ / ۲۱) ولی در انجیل متی بیان شده که پدر این دختر به حضرت مسیح می‌گوید دخترم همین الان فوت کرد. (متی: ۹ / ۱۸)

تفاوت در سبک داستان‌گویی

قبل از بیان داستان عهد عتیق ذکر این نکته ضروری است که سبک داستان‌گویی قرآن و عهد عتیق

۱. معتقدان سنتی کتاب مقدس معتقدند که این کتاب حاصل مکاشفه و الهام خدا به نویسندگان آن است و این متون تحت اشراف و نظارت و حاکمیت خدا نوشته شده است، از این رو هیچ‌گونه خطا و اشتباهی در آن نیست. (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۷) بنابراین الهامی بودن کتاب مقدس به‌معنای وحیانی بودن آن همانند قرآن نیست.

متفاوت است. طبق نظر معتقدان کتاب مقدس، عهد عتیق بر خلاف قرآن و عهد جدید به صراحت سخن می‌گوید و از زبان رمزی استفاده نمی‌کند (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۹) و همچنین در عهد عتیق تمام واقعه با تمام جزئیات آن به تفصیل بیان می‌شود. از این رو برای فهم داستان‌های کتاب مقدس نیازی به مراجعه به کتاب دیگری به عنوان تفسیر کتاب مقدس نیست.

اما در قرآن بر خلاف کتاب مقدس خلاصه‌گویی و گزیده‌گویی متداول است و در عین حال قصص قرآنی دو ویژگی مهم دارد: «حقیقت‌گویی و واقع‌گرایی» و «هدفمندی و هم‌سویی با غرض قرآن»؛ (معرفت، ۱۳۸۵: ۵۱۷) این شیوه گزیده‌گویی قرآن به هیچ‌وجه نمی‌تواند تمام جوانب یک واقعه را به ما نشان دهد و بسیاری از زوایای آن مبهم مانده و نیاز به کتابی دیگر که این زوایای پنهان را برای خواننده آشکار کند کاملاً احساس می‌گردد، از این رو قرآن به تنهایی نمی‌تواند به عنوان منبعی برای استخراج تاریخ در نظر گرفته شود. هرچند عدم بیان تمام قصه در قرآن و بیان گزینشی وقایع، خواننده را به سوی کتب دیگری که تفصیل واقعه را نوشته باشد سوق می‌دهد، اما آزادی هنری در داستان‌سرایی قرآن آن را از عهدین ممتاز ساخته است؛ چون عهد عتیق با شیوه‌ای که در نقل تاریخ در پیش گرفته بیشتر به یک کتاب تاریخی شباهت دارد نه یک کتاب مقدس.

سیمای پیامبران در قرآن و عهد عتیق

یکی از تمایزهای آشکار قرآن و عهد عتیق، شخصیت‌پردازی متفاوت این دو کتاب است. شخصیت‌هایی که در قرآن به عنوان پیامبر و یا افراد برگزیده خدا معرفی شده‌اند و می‌بایست نقش الگویی و سازندگی داشته باشند یا معصوم بوده و از گناه مبرا هستند و یا دارای اخلاقی متمایز و برجسته و پیراسته از عیوب معرفی شده‌اند؛ عصمت تمام انبیاء علیهم‌السلام - با وجود اختلاف در معنای عصمت - به حکم عقل ضروری است و دلایل عقلی بسیاری بر آن وجود دارد. (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۹۶؛ مفید، ۱۴۱۴: ۱۲۸؛ سید مرتضی، ۱۳۷۷: ۹ - ۴؛ حلی، ۱۴۱۵: ۳۴۹) و حتی طبق اعتقاد امامیه که به روایات مستند است پیامبران از ملائکه نیز برترند. (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۴۸؛ حلی، ۱۴۱۵: ۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۱۸۳) اما در عهد عتیق هیچ‌یک از انبیا مبرا از عیوب نبوده و گاه نسبت‌هایی به آنها داده می‌شود که انسان از گفتن آن شرم دارد. این نسبت‌های ناروایی که به بزرگان و برگزیدگان خود روا داشته‌اند، می‌بایست به هدفی خاص صورت گرفته باشد و شاید توجیه و سرپوشی باشد بر کردار ناشایست علمای فاسد در دورانی که کتاب مقدس را تدوین کردند.

در عهد عتیق لوط شراب نوشیده و در حال مستی با دختران خود همبستر می‌شود (پیدایش: ۱۹ / ۳۸ - ۳۰) و ابراهیم برای نجات جان خود به دروغ ساره را به عنوان خواهر خود معرفی کرده تا پادشاه به او متمایل

شده و خودش نجات یابد (همان: ۲۰ / ۲ - ۱) و مشابه همین جریان درباره اسحاق و همسرش ربکا نقل شده است. (همان: ۲۶ / ۹ - ۶) یعقوب بارها بر علیه برادر و دایی خود حيله‌گری‌ها می‌کند. (همان: ۲۷؛ ۳۰ / ۳۳ - ۳۷) و هارون گوساله‌ای برای پرستش می‌سازد (خروج: ۳۲ / ۴ - ۱) و داود مرتکب زنا با زنی شوهردار می‌شود (دوم سموئیل: ۱۱ / ۵ - ۳) و شائول حسادت کرده و بی‌گناهان بسیاری را در این مسیر به قتل می‌رساند. (اول سموئیل: ۲۲) عهد عتیق شائول را در حد یک پادشاه ستمگر معرفی می‌کند که برای رسیدن به اهداف خود و حفظ حکومتش از ریختن خون بی‌گناهان نیز ابایی ندارد. (همان)

خداشناسی یهودی

با توجه به وجود تعابیری چون پادشاه بودن خدا و یا پشیمانی خدا که در این داستان در عهد عتیق بیان شده، در اینجا شناخت نوع خداشناسی یهودیان ضروری به‌نظر می‌رسد؛ ایمان به خدا یکی از تعهدات یهودیان در طول تاریخ بوده است و این اعتقاد در طول تاریخ عناصر مشترکی داشته و گاه نیز در دوره‌های مختلف باورهایی متفاوت داشته‌اند. اساس باورهای خداشناسی یهود را می‌توان در این پنج مسئله دانست:

۱. انسان‌نگاری خدا؛

۲. تعالی‌گرایی، به این معنا که خدا غیر از چیزهای دیگر است و با جهان مخلوق متفاوت است؛

۳. همه - در - خدایی، به معنای اینکه خدا در هر چیزی هست و با توجه به اینکه این تفکر از دوره

قرون وسطا در میان عارفان یهود رایج شد، شاید برگرفته از عرفان اسلامی باشد؛

۴. ویژه‌گرایی؛ یعنی خدا خدای اسرائیل است و این خصیصه‌ای است که در تمام دوره‌های یهود وجود دارد؛

۵. همه‌گرایی؛ یعنی خدا خالق همه چیز و مرتبط با آنها است. (آن‌ترمن، ۱۳۹۱: ۴۲ - ۳۹)

عدل و حکمت خدا در قرآن و عقل

خداشناسی قرآن با عهد عتیق متفاوت است. در عهد عتیق و در داستان شائول (طلوت) و نبرد وی با عمالیک عدالت خدا و در جریان پشیمانی خدا از انتخاب شائول (اول سموئیل: ۱۰: ۱۵) حکمت خدا به چالش کشیده شده است، اما در قرآن صفت عدل و حکمت از اوصاف الهی بیان شده و همچنین خدا در قرآن رب العالمین است و همه موجودات از رحمت او به‌رمند می‌گردند و فقط خدای یک قوم خاص نیست. این باور بنی‌اسرائیل که خدا را فقط خدای خودشان دانسته و بر تفکر نژادپرستی دامن می‌زنند باطل است.

آیات بسیاری از قرآن و به تبع آنها روایات معصومین علیهم‌السلام عدالت و حکمت خدا را تبیین کرده است.

آیات قرآن به صراحت بیان می‌دارند که خدا به هیچ‌یک از بندگان ظلم روا نمی‌دارد (آل عمران / ۱۸۲؛ انفال / ۵۱؛ حج / ۱۰) و همه کارهای او بر عدل و داد استوار است (آل عمران / ۱۸) و مثقال ذره‌ای ظلم روا نمی‌دارد (نساء / ۴۰) و خود بارها بندگان را به اجرای عدالت فرمان می‌دهد. (نساء / ۵۸؛ مائده / ۸ و ۴۲؛ شورا / ۱۵؛ اعراف / ۲۹) و حکمت خدا نیز در آیات بی‌شماری به تصویر کشیده شده است. (هود / ۱؛ یس / ۴۲ - ۳۲؛ یونس / ۵؛ انعام / ۸۳) و همچنین این ویژگی‌ها به حکم عقل برای خدا ثابت است. با وجود تنازعات بسیاری که در این بحث وجود دارد، دیدگاه عدلیه این است که عقل حکم می‌کند عدل دارای حسن ذاتی بوده و این حسن مطلق است و خدا می‌بایست عادل باشد (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹؛ رستگار، ۱۳۸۳: ۸۳) و اختیار انسان (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸) و در نتیجه تشریح احکام و به دنبال آن ضرورت پادشاه نیکوکار و مجازات بدکار نیز ضرورت عدل را برای خدا به حکم عقل ثابت می‌کند. (رستگار، ۱۳۸۳: ۹۹) و حکمت خدا نیز از طریق برهان مشاهده و تجربه در علوم مختلف مثل فیزیک و شیمی و نجوم و جانورشناسی و گیاهشناسی و زیست و تمام پدیده‌های هستی و نیز از طریق برهان تشریح قوانین حکیمانه و دقت در تمام ریزه‌کاری‌ها به صورت آگاهانه قابل اثبات است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ۸۰ - ۷۹) حکمت خدا ناشی از علم تصویری و تصدیقی او به تمام اشیاء است و این علم خدا که مبدأ وجود است نه مستفاد از وجود، منشأ حکمت اوست. (ملا صدرا، ۱۳۶۲: ۱۷۳)

پادشاه خواستن بنی اسرائیل

الف) پادشاه خواستن بنی اسرائیل در عهد عتیق

بر اساس باورهای برگرفته از عهد عتیق، تاریخ بنی اسرائیل به چند دوره متفاوت تقسیم شده است. در عهد عتیق ابتدا وقایعی قبل از زمان حضرت موسی علیه السلام بیان شده و سپس دوران زندگی حضرت موسی علیه السلام و وقایع حیات او به تفصیل ذکر شده است که به دو دوره قبل از هجرت از مصر و بعد از آن تقسیم می‌شود؛ دوره سوم بعد از مرگ حضرت موسی علیه السلام آغاز می‌شود و داوران و برگزیدگانی از بنی اسرائیل رهبری امت را به عهده می‌گیرند، از این رو به آن دوران داوران می‌گویند و طبق منابع مختلف بین ۱۵۰ تا ۳۵۰ سال طول کشیده است. (کفاش و شفیع سروسستانی، ۱۳۹۲: ۲۸) سموئیل به عنوان آخرین رهبر بنی اسرائیل در این دوران شناخته می‌شود و پس از او طبق خواست مردم دوران داوران به پایان رسیده و دوران پادشاهان شروع می‌شود. (اول سموئیل: ۸)

درخواست پادشاه توسط مردم طبق نقل عهد عتیق از اینجا نشأت می‌گیرد که چون سموئیل پیر شد فرزندان خود را جانشین خود کرد اما آنها به عدالت رفتار نکرده و حتی از مردم رشوه می‌گرفتند؛ لذا

بنی‌اسرائیل از سموئیل درخواست پادشاه می‌کنند. سموئیل از خدا درخواست تکلیف می‌کند و خدا چنین پاسخ می‌دهد: «آواز قوم را در هر چه به تو گفتند بشنو؛ زیرا که تو را ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند تا برایشان پادشاهی نمایم». سموئیل عواقب خواستن پادشاه را به آنها گوشزد می‌کند که پادشاه دختران و پسران شما را برای کارهایش به خدمت می‌گیرد و بهترین مزارع را تصاحب خواهد کرد و ده یک محصولاتتان را نیز از شما طلب خواهد کرد، اما مردم بر داشتن پادشاه اصرار داشتند. (اول سموئیل، ۸: ۲۱ - ۱) و سموئیل باز به آنها متذکر می‌شود که پادشاه خواستن گناه بزرگی است و خدا قبلاً پادشاه شما بود. (اول سموئیل، ۱۲: ۱۳ و ۱۷)

قیس که یکی از ثروتمندان و افراد با نفوذ قبیله بنیامین بود، پسری داشت که خوش اندام‌ترین مرد بنی‌اسرائیل بود و یک سر و گردن از همه بلندقدتر بود. او در شرح داستانی مفصل به‌دنبال الاغ‌های گمشده پدرش به شهری که سموئیل در آنجا است با سموئیل دیدار کرده و به فرمان خدا به‌عنوان پادشاه اسرائیل انتخاب می‌شود. عده‌ای از افراد ولگرد و هرزه فریاد برآورده و گفتند این مرد چطور می‌تواند ما را نجات دهد؟ پس او را تحقیر کردند. (اول سموئیل ۹ و ۱۰) کتاب مقدس این داستان را به‌صورت مفصل با تمام جزئیات و نکته‌ها و وقایع و سخنانی که بین آنها رد و بدل می‌شود بیان کرده است

در داستان عهد عتیق نخستین اقدام شائول جنگیدن است و نبردهای متعددی را انجام می‌دهد که جز یک مورد گزارشی از آن در قرآن بیان نشده است. در گزارش نبردهای طالوت نکات عجیبی به چشم می‌خورد، مثلاً بیان شده که در یکی از جنگ‌ها که لشکریان طالوت بیش از ۳۰۰/۰۰۰ نفرند فقط دو تن شمشیر دارند (اول سموئیل، ۱۳: ۲۲) و یا در یکی از نبردها که با قوم عمالیق است خدا دستور قتل‌عام تمامی این قوم را صادر می‌کند. (اول سموئیل، ۱۵: ۱۱ - ۱) و یا به داود حسادت کرده و درصدد قتل وی بر می‌آید.

ب) پادشاه خواستن بنی‌اسرائیل در قرآن

پادشاه خواستن بنی‌اسرائیل در قرآن این‌گونه بیان شده است:

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی‌اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید! گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، درحالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، (و شهرهای ما به‌وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟! اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند و خدا از ستمکاران، آگاه است و پیامبرشان به آنها گفت:

خدا (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خدا، ملکش را به هرکس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است. و پیامبرشان به آنها گفت: نشانه حکومت او، این است که (صندوق عهد)^۱ به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد، درحالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شما است اگر ایمان داشته باشید. (بقره / ۲۴۸ - ۲۴۶)

بیان یکسانی‌ها و تفاوت‌های نقل قرآن و عهد عتیق

شبهات‌های قرآن و عهد عتیق در این داستان موارد زیر است:

۱. بنی اسرائیل از پیامبرشان در خواست پادشاه می‌کنند. هرچند درخواست پادشاه در عهد عتیق برای نخستین بار صورت گرفته و گویا تا این دوره پادشاهی نداشته‌اند، اما قرآن از این جهت که این نخستین پادشاه است، ساکت است.

۲. یکی از ویژگی‌های طالوت که دلیل انتخاب او شده در هر دو منبع قدرت جسمانی او است. تفاوت‌های قرآن با آنچه در عهد عتیق ذکر شده افزون بر اینکه قرآن موجز و گزیده داستان را بیان کرده و عهد عتیق مفصل و با بیان تمام جزئیات، این موارد است:

۱. در قرآن پادشاه خواستن از طرف توده مردم نیست بلکه «ملئی از قوم موسی» درخواست پادشاه می‌کنند. «أَلَمْ تَرِإِی الْمَلِئِیْنِ بَنِیْ إِسْرَائِیْلَ» و ملأ به معنای اشراف (نحاس، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۲۱؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۷۳) و یا جماعتی که به خاطر کمیت و یا کیفیت‌شان همانند اشراف و بزرگان چشم پرکن هستند، اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۳۵)

۲. پادشاه خواستن در قرآن بر خلاف عهد عتیق، امری ناخوشایند خدا معرفی نشده است.

۳. در عهد عتیق، قبل از دوران پادشاهان، خدا پادشاه بنی اسرائیل معرفی شده و این قوم پادشاهی خدا را

۱. این صندوق که به تابوت عهد معروف است و هم در قرآن و هم در عهد عتیق از آن یاد شده، طبق روایتی همان صندوقی بوده که مادر حضرت موسی، موسی را در آن نهاد و به آب انداخت. این صندوق به دست بنی اسرائیل افتاده و حضرت موسی الواح و زره و سایر میراث نبوت را در آن گذاشت و به جانشین خود داد. این صندوق همیشه در بین بنی اسرائیل بوده و مایه آرامش آنها بود. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۰۶)

- رد کرده‌اند. (اول سموئیل، ۷: ۷) این امر ناشی از خدانشناسی انسان‌وار یهودی است که بیان شد.
۴. هدف از پادشاه خواستن در قرآن رهبری در نبرد و فرماندهی امور جنگی معرفی شده است: «ابَعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و در عهد عتیق رسیدگی به امور جامعه و اجرای عدالت بهانه قوم از این درخواست است. (اول سموئیل، ۸: ۶ - ۱) هرچند به رهبری در جنگ‌ها نیز اشاره کوتاهی شده است. (همان: ۲۰) کردار شائول در تورات سخن قرآن را تأیید می‌کند؛ چه اینکه طالوت به محض پادشاه شدن به جنگ و مقابله با دشمنان پرداخته و آنها را سرکوب می‌کند و به نبرد با جلیات رفته و بعد از آن جنگ‌های متعدد دیگری نیز انجام می‌دهد. (اول سموئیل، ۱۱ و ۱۳ و ۱۷) اما رسیدگی به امور اجتماعی مردم به‌هیچ‌وجه در عهد عتیق از کارهای شائول دانسته نشده است.
۵. ویژگی‌های طالوت در قرآن که او را لایق پادشاهی کرده است در مرحله نخست دانش وسیع و خدادادی او و در مرحله دوم قدرتمندی خدادادی اوست: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» در حالی که در عهد عتیق فقط به توانمندی او اشاره شده است. (اول سموئیل، ۹: ۲)
۶. در قرآن بیان شده که به محض انتخاب پادشاه، هدف که همان مبارزه با ستمگران است به فراموشی سپرده شده و جز اندکی بقیه از گرد او پراکنده شدند: «فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ» البته در آیات بعد بیان می‌شود که این عده اندک بعد از مشاهده جالوت و لشکریانش دوباره از جهاد امتناع کرده و فقط تعدادی اندک از این اندک باقی می‌مانند: «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» از این رو طبق آیات قرآن بنی‌اسرائیل دوبار از حمایت طالوت شانه خالی کردند. اما آنچه از عهد عتیق فهمیده می‌شود این است که در نبرد با جالوت وی چهل روز در مقابل بنی‌اسرائیل رجزخوانی می‌کرد و بنی‌اسرائیل از مبارزه تن‌به‌تن با وی سرباززده و از مقابل او می‌گریختند؛ (اول سموئیل، ۱۷: ۲۵) و اما سرباززدن از نبرد و فرار از میدان جنگ در این نبرد بیان نشده و در نبردی قبل از این گزارش شده است که فقط تعداد ۶۰۰ نفر با شائول باقی ماندند. (همان، ۱۳: ۱۶ - ۱)
۷. معترضان بر طالوت در قرآن به‌صورت نامشخص به‌صورت جمع بیان شده است که به احتمال زیاد افراد ثروتمند و با نفوذ بنی‌اسرائیل‌اند؛ چون ادعا دارند که ما از او در پادشاهی سزاوارتریم: «قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ» اما در عهد عتیق معترضان عده‌ای ولگرد و هرزه معرفی شده‌اند (اول سموئیل، ۱۰: ۲۷) و ولگردها نمی‌توانند داعیه پادشاهی داشته باشند.
۸. دلیل اعتراض بر پادشاهی طالوت در قرآن بیان شده که همان فقر او است: «وَلَوْ يَأْتِي سَعَهُ مِنَ الْمَالِ» اما در عهد عتیق او فرزند فردی ثروتمند و متنفذ است (اول سموئیل، ۹: ۱) و دلیل بر اعتراض نیز بیان نشده است و دلیلی بر اعتراض نیز وجود ندارد؛ زیرا طالوت طبق گفته آنها از هر جهت کامل است؛

خانواده‌ای پولدار و بانفوذ و شخصیتی قدرتمند دارد، اما باز هم عده‌ای بر او اعتراض می‌کنند.

۹. در قرآن دلیلی بر اثبات پادشاهی او از طرف خداوند ارائه می‌شود و تابوت عهد به آنها بر می‌گردد؛ «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ» اما در عهد عتیق هیچ دلیلی ارائه نشده و بازگشت تابوت عهد در داستانی قبل از این و به گونه‌ای متفاوت نقل شده است.^۱

با بررسی این تفاوت‌ها روشن می‌شود که بیان قرآن با وجود مختصر بودن دقیق‌تر و به واقعیت نزدیک‌تر است، مثلاً در قرآن ملاً قوم درخواست پادشاه می‌کنند نه تمام قوم؛ و امکان ندارد که تمام قوم درخواست پادشاه کنند چه اینکه قوم بنی‌اسرائیل طبق نقل کتاب مقدس جمعیتی بسیار و ساکن در بیش از ۳۰ شهر هستند. (یوشع، ۱۲: ۹) و افزون بر این بسیاری از مردم در این امور مداخله نمی‌کنند، لذا عبارت قرآن دقیق‌تر است، مگر بگوییم این تعبیر مجاز است. همچنین با نگاهی با واقعیت‌های خارجی مشخص می‌شود که پادشاه بودن خدا بسیار بی‌معنا است مگر آنکه این‌گونه توجیه شود که مراد از پادشاهی خدا پادشاهی پیامبر خدا است. اما این نیز توجیه مقبولی به‌نظر نمی‌رسد. همچنین با مطالعه تاریخ وقایع زمان شائول در کتاب سموئیل متوجه می‌شویم که تمام رسالت این پادشاه جنگیدن است و به‌همین منظور انتخاب شده است و لذا نقل قرآن که هدف پادشاه خواستن را فرماندهی امور جنگی می‌داند، ثابت می‌شود.

شاید مهم‌ترین تفاوت قرآن و عهد عتیق در این جریان باشد که قرآن ویژگی‌های یک رهبر شایسته را در دو چیز می‌داند: داشتن «دانش» و «توانایی». از این‌رو وقتی قوم بنی‌اسرائیل به فقر او اعتراض می‌کنند، خدا این دو ویژگی را بیان کرده و می‌فهماند که امتیاز واقعی یک رهبر این دو چیز است و ثروت ملاک برای رهبری نیست، درحالی‌که عهد عتیق به نوعی نفوذ خانوادگی شائول و ثروت او و خانواده‌اش را بیان کرده و به‌طور غیر صریح این امتیازها را نشان لیاقت وی می‌داند.

یکی دیگر از تفاوت‌های قرآن و عهد عتیق شخصیت‌پردازی متفاوت برگزیدگان و پیامبران است. همان‌گونه که اشاره شد نویسندگان عهد عتیق هیچ ابایی ندارند که افراد برگزیده‌ای چون داود و طالوت را گناهکار معرفی نمایند و حتی گناهی چون زنا و قتل‌عام بی‌گناهان را به آنها نسبت دهند. هرچند براساس آیات قرآن طالوت پیامبر نبوده و براساس صریح قرآن زمامدار قوم بوده است: «قَالُوا لَنَبِيِّ لَهُمْ إِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا» اما با این وجود سیمای طالوت در قرآن از هر گناهی مبرا است و فردی است که دانش

۱. در عهد عتیق بیان شده که تابوت عهد در نبردی که بنی‌اسرائیل با فلسطینی‌ها داشتند، به چنگ آنها افتاده و فلسطینی‌ها پس از هفت ماه به‌خاطر بلاهایی که بر سرشان آمد، فهمیدند به‌خاطر نگهداشتن این تابوت است. آن را پس فرستادند و این واقعه قبل از سلطنت شائول در دوران سموئیل اتفاق افتاده است. (اول سموئیل، ۶ - ۴)

خدادادی داشته و خدا به او حکمت نیز عنایت می‌کند: «آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ» و حکمت و گناه با هم ناسازگارند. اما در عهد عتیق علی‌رغم آنکه خدا او را انتخاب کرده و قلب تازه‌ای به او بخشیده و روح خدا بر وی قرار گرفته و نبوت هم می‌کند (اول سموئیل، ۱۰: ۱۳ - ۶) اما به داود حسادت کرده و به‌همین دلیل گناهان متعدد دیگری نیز مرتکب می‌شود. نهایت کار شائول در یکی از دو نقل عهد عتیق این است که وی خود را می‌کشد^۱ و این نیز یکی دیگر از جنبه‌های شخصیت منفی شائول در عهد عتیق است.

ترسیم چهره‌ای گنهکار از برگزیدگان و پیامبران الهی در عهد عتیق شاید به این دلیل صورت گرفته است که اباحی‌گری را ترویج و گناه را امری معمول و متداول قلمداد کند، تا سرپوشی باشد بر گناهی که بزرگان و احبار قوم بنی اسرائیل انجام می‌دادند. طبق آیات قرآن علمای بنی اسرائیل مورد لعن قرار گرفته‌اند، چه اینکه آنها حقایق را کتمان کرده (بقره / ۱۵۹) و دست به تحریف کلام خدا زده‌اند (نساء / ۴۶) و مردم را به نیکی می‌خوانند ولی خود به آن عمل نمی‌کنند. (بقره / ۴۴) و خود مرتکب گناهان بزرگ شده (توبه / ۳۴) و مردم را نیز از گناه باز نمی‌دارند. (مائده / ۶۳) از این‌رو برای آنکه اعمال خود را توجیه کنند، می‌بایست دستاویزی مکتوب داشته باشند، از این جهت، کتاب خود را تحریف کردند.

در بسیاری از وقایع مذکور در عهد عتیق خدا در بطن وقایع قرار دارد، مثلاً در مورد نسل‌کشی عمالیق توسط شائول (اول سموئیل، ۱۵: ۴ - ۹) دستور خدا اجر شده است، همان‌گونه که قبل از این در مورد اقوام هفت‌گانه‌ای که در این سرزمین بودند، خدا فرمان قتل‌عام همه آنها را صادر کرده بود. (تثنیه، ۲۰: ۱۷ - ۱۶)

با وجود چنین مسائلی در عهد عتیق خواننده این کتاب یا می‌بایست این مسائل را پذیرفته و خدا را عامل تمامی قتل‌عام‌ها و کشتار عمالیق و اقوام هفت‌گانه بداند و پیامبران و برگزیدگان را افرادی گناهکار دانسته و عصمت انبیا را منکر شود؛ یا برای حفظ قداست خدا و عصمت انبیا انگشت اتهام را به‌سوی کسانی بگیرد که این متون را نوشته و معتقد شود که این داستان‌ها ساختگی بوده و تحریف شده است یا حداقل قائل شود که کسانی قرن‌ها بعد از این وقایع خواسته‌اند تا برای بنی اسرائیل تاریخی بنویسند و هر آنچه که شنیده بوده‌اند را بازگو کرده و نوشته‌اند. لذا نمی‌تواند این مطالب تحت اشراف خدا به‌صورت کشف یا الهام نوشته شده باشد.

۱. در کتاب اول سموئیل بیان شده که شائول در یکی از جنگ‌ها در محاصره فلسطینی‌ها قرار گرفته و خودش را می‌کشد. (اول سموئیل، ۳۱: ۴) اما در کتاب بعدی وی به‌دست یک عمالیقی کشته می‌شود. (دوم سموئیل، ۱: ۸)

بررسی روایات و تفاسیر

همان‌گونه که آیات قرآن در مواردی با عهد عتیق مشترک بوده و در مواردی با آن متفاوت بود، در روایات اسلامی و تفاسیر نیز مواردی را می‌توان یافت که با داستان عهد عتیق مطابقت دارد و مواردی نیز با آن متفاوت است:

الف) مشترکات روایات و تفاسیر با عهد عتیق

مواردی که تفاسیر و روایات تفسیری در این موضوع با عهد عتیق مطابقت دارد، زیاد نیست و این دو مورد را می‌توان از مشترکات این دو منبع به‌شمار آورد.

۱. در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت پادشاه خواستن بنی‌اسرائیل همچون عهد عتیق در زمان سموئیل بیان شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۱۰) هرچند روایتی زمان یوشع یا ارمیا را نیز بیان کرده (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۸۰) ولی این روایات معتبر نیست.^۱ برخی تفاسیر نیز به‌صورت احتمال زمان یوشع و ارمیا و شمعون (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۲۰) را به‌عنوان زمان این قصه بیان کرده‌اند، اما بیشتر مفسران هم‌سو با عهد عتیق این امر را در زمان سموئیل می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۱۰)

۲. در روایات تفسیری طالوت را از خاندان بنیامین می‌دانند و این مطابق با عهد عتیق است. (عیاشی، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۳۲؛ مسعودی، ۱۳۸۴، ۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۰۹)

ب) تفاوت‌های روایات و تفاسیر با عهد عتیق

در مواردی نیز تفاسیر و روایات تفسیری با عهد عتیق متفاوت است که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. بر خلاف عهد عتیق که شاول را نخستین پادشاه قوم بنی‌اسرائیل می‌داند، (اول سموئیل، ۸) در روایات این‌گونه تبیین شده که طالوت اولین پادشاه نیست و قبلاً اینها پادشاه داشته‌اند، اما بعد از دوره‌ای که توسط جالوت به استضعاف کشیده شده بودند و زیر سلطه او بودند پادشاه نداشته و لذا از خدا درخواست پادشاه می‌کنند و بعد از انتخاب طالوت که از فرزندان بنیامین است، می‌گویند چگونه او پادشاه باشد که نه از خاندان لاوی است که نبوت در آنها بوده و نه از فرزندان یوسف یا یهودا که سلطنت با آنها بوده است؟ و دلیل اینکه خود را از او برتر می‌دانستند، همین بود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۸۶)

۲. بعد از انتخاب طالوت و فرمان جهاد، همه جز اندکی از فرمان جهاد سرباز زدند و این تعدادی که

۱. در تفسیر قمی با تعبیر «رُوی» این نکته را بیان کرده است، از این رو حدیث غیرمسنند است.

برای جهاد مهیا شدند در روایتی ۶۰/۰۰۰ نفر (قمی، ۱۳۶۷، ۱/ ۸۳؛ عیاشی، ۱۳۸۴، ۱/ ۱۳۲) و در روایتی از طریق اهل سنت ۸۰/۰۰۰ نفر بیان شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱/ ۳۱۸) اما عهد عتیق بر خلاف همیشه که تعداد جنگاوران را بیان می‌کرد، این بار در جنگ با جالوت گزارشی از تعداد لشکریان شائول و یا امتناع و یا فرار از جنگ گزارش نداده است

۳. یکی از اختصاص‌های عهد عتیق در نقل جنگ شائول با فلسطینی‌ها این است که در میان لشکر بنی‌اسرائیل فقط دو نفر شمشیر دارند! (اول سموئیل، ۱۳: ۲۲) چگونه ممکن است سپاهی گران تشکیل داد و لشکری بیش از ۳۰۰ هزار نفر در اختیار داشت و فقط دو شمشیر یا نیزه در این سپاه باشد؟! چگونه ممکن است ملتی قدرتمند با سابقه طولانی در جنگ و ۱۲ قبیله که هنگام ورود به این سرزمین در ۳۵۰ سال پیش طبق نقل سفر اعداد بیش از ۶۰۰ هزار جنگجو داشت (اعداد، ۲: ۳۲) از ابزار جنگی فقط دو تا در اختیار داشته باشد؟! به خصوص این مردمان نسل جنگجویانی بودند که ارض موعود را فتح کرده و اقوام بی‌شماری را که در آن بوده بیرون کرده و خود جایگزین آنها شده بودند. اقوامی چون عمالیق که آن قدر بزرگ بودند که بنی‌اسرائیل در برابر آنها چونان ملخ دیده می‌شدند. (اعداد، ۱۳: ۳۳) این نکته‌ای است که در قرآن نمونه‌ای برایش نمی‌توان یافت.

۴. یکی دیگر از اختصاص‌های عهد عتیق فرمان قتل شیرخوارگان و بی‌گناهان است. شائول در دوران سلطنت خود با تمام دشمنان اطراف خود؛ یعنی موآب، بنی‌عمون، پادشاهی صوبه و فلسطینی‌ها جنگید و پیروز شد. همچنین به فرمان خدا به جنگ با عمالیق رفت. خدا به او چنین فرمان داد: من مردم عمالیق را مجازات خواهم کرد؛ زیرا وقتی قوم اسرائیل را از مصر بیرون آوردم، آنها نگذاشتند از میان سرزمین‌شان عبور کنند. حال برو و مردم عمالیق را قتل‌عام کن. بر آنها رحم نکن، بلکه زن و مرد و طفل شیرخواره، گاو و گوسفند، شتر و الاغ، همه را نابود کن؛ شائول با سپاهی گران به عمالیق حمله کرد و همه آنها را از دم شمشیر گذراند. او بر خلاف فرمان خدا، پادشاه و گاوها و گوسفندهای چاق را نکشت و مورد سرزنش خدا قرار گرفت. (اول سموئیل، ۱۵: ۱۱ - ۱)

آنچه که از این داستان برداشت می‌شود این است که گناه عمالیق بت‌پرستی نیست، بلکه گناه این قوم این است که اجدادشان در ۳۵۰ سال قبل مجوز عبور بنی‌اسرائیل را از سرزمین‌شان ندادند! هرچند مجازات تا چهار نسل به خاطر گناه اجداد در عهد عتیق بیان شده، (خروج، ۲۰: ۵) اما در مواردی نیز مجازات منحصر به فرد گناهکار است. (دوم پادشاهان، ۱۴: ۶ - ۵؛ دوم تواریخ، ۲۵: ۴ - ۳) این امر هم‌سو با قرآن است که می‌فرماید: «هیچ‌کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد و هیچ گناهکاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود». (انعام / ۱۶۴)

تطبیق این واقعه با فرازی از خود کتاب مقدس جالب است. در آنجا که رهبر بنی اسرائیل «یفتاح» به پادشاه عمون که به بهانه انتقام جنگی که بنی اسرائیل با آنها در زمان موسی علیه السلام داشتند، قصد حمله به بنی اسرائیل را دارد، می‌گوید: چرا این قضیه را بعد از ۳۰۰ سال پیش کشیده‌اید:

هنگامی که اسرائیل در حبشون و دهاتش و عرو عیر و دهاتش و در همه شهرهایی که بر کناره ارنون است، سیصد سال بودند، پس چرا در آن مدت آنها را پس نگرفتید. (داوران، ۱۱: ۲۶)

اما این بار خدای بنی اسرائیل پس از ۳۵۰ سال آن قضیه را پیش کشیده و به جرمی که در قرآن اصلاً جرم نیست، فرمان قتل‌عام بی‌گناهان را صادر می‌کند. پس با این وجود دلیل قتل‌عام یک قوم به‌خاطر گناه اجداد این قوم در ۳۵۰ سال پیش، از دیدگاه خود عهد عتیق مردود است.

ج) اسرائیلیات

اسرائیلیات به روایاتی اطلاق می‌شود که ریشه آن به منابع یهودی یا طبق یک تعریف موسع به منابع یهودی و مسیحی برگردد. بعد از آنکه امت اسلامی ترجمان وحی را رها کرده و اهل بیت پیامبر علیهم السلام را منزوی کردند، برای جبران این خلأ در زمینه علمی به دانشمندان اهل کتاب روی آوردند. دانشمندانی از اهل کتاب که مسلمان شده و بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرصه‌ای برای جولان پیدا کرده بودند، از این خلأ استفاده کرده و بسیاری از باورهای خود را به‌عنوان تفسیر آیات قرآن ارائه کرده و قرآن را طبق دیدگاه یهودی تفسیر کردند. بخش عمده‌ای از اسرائیلیات مربوط به قصص قرآنی است؛ چه اینکه جامعه آن روز تشنه دریافت تفصیل و تبیین قصص قرآن بود که به‌صورت موجز و خلاصه بیان شده بود.

با توجه به سبک قرآن که موجزگویی و خلاصه‌گویی است، لذا در قصص خود به‌همین مقدار اکتفا کرده که بتواند هدف خود را به مخاطبش بفهماند، از این‌رو قصص قرآن پراکنده و بدون توالی و ترتیب داستانی بیان شده است اما برخی از کسانی که قرآن را تفسیر می‌کردند و یا به‌دنبال شرح و بسط قصص قرآن بودند، به‌دنبال منابعی برای دسترسی به جزئیات این قصص دست به دامان اهل کتاب شدند. این مطالب که گاه به‌دلیل اعتباربخشی به آن و یا به‌خاطر غرض‌ورزی اهل کتاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا بزرگان صحابه نسبت داده می‌شد، در لابلای تفاسیر منتشر گردید.

با مطالعه تطبیقی این داستان‌ها در تفاسیر با داستان‌های عهد عتیق می‌توان منبع تفاسیر را در بیان این مطلب جست. اما صرف وجود یک مطلب در عهد عتیق نشان بطلان آن نیست، بلکه فقط نشانگر منبع داستان است که میزان اعتماد به آن را کاهش داده و برای رد آن نیز برهانی وجود ندارد، مگر آنکه این مطالب با قرآن و عقل و یا علوم تجربی ناسازگار باشد.

در اینجا به چند مورد از اسرائیلیات که در این داستان در تفاسیر بیان شده ذکر می‌شود: در عهد عتیق بیان شده که طالوت به‌دنبال خرهای پدرش بود که به شهر سموئیل رسید و سموئیل او را به پادشاهی برگزید و اینکه وی یک سر و گردن از سایر بنی‌اسرائیل بلندقدتر بود. این حکایت در برخی تفاسیر بیان شده است. (طبری، ۱۴۱۲، ۲ / ۳۸۰ - ۳۷۹؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ۱ / ۲۶۸) و نیز در عهد عتیق عده‌ای از جنگ معاف شده‌اند؛ کسی که خانه‌ای ساخته و هنوز از آن استفاده نکرده و یا تاکستانی غرس کرده و هنوز از میوه آن نخورده و یا کسی که زنی را نامزد کرده و هنوز با او ازدواج نکرده است. (تثنیه، ۲۰: ۹ - ۵) در داستان طالوت نیز بیان شده که وی قبل از اعزام لشکریانش این افراد را از رزم معاف کرد. (اسفراینی، ۱۳۷۵، ۱ / ۲۷۳) حکایت وعده دادن طالوت که دخترش را با شرایطی به عقد داود در خواهد آورد (اول سموئیل، ۱۹: ۱۷) نیز از حکایت‌های مشترک عهد عتیق و برخی تفاسیر است که به شکلی دیگر در این کتب بیان شده است. (اسفراینی، ۱۳۷۵، ۱ / ۳۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱ / ۳۱۸)

در روایتی بیان شده که حمل‌کننده تابوت عهد فرشتگانی بودند که به شکل گاو در آمده بودند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۸ / ۳۱۷) این روایت هرچند صحیح به‌نظر می‌رسد اما از دو جهت قابل بررسی است؛ نخست آنکه فرشته‌ای به‌صورت گاو در آمده باشد را نمی‌توان با آیات قرآن تطبیق کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲ / ۲۹۸) دوم آنکه عهد عتیق حمل‌کنندگان تابوت را دو راس گاو می‌داند. (اول سموئیل، ۶: ۶)

هرچند بازگشت تابوت عهد در داستان پادشاهی شائول در عهد عتیق بیان نشده اما طبق نقل عهد عتیق در زمان سموئیل تابوت عهد به‌دست فلسطینی‌ها می‌افتد و آنها بعد از مدتی که دچار عذاب و گرفتاری‌های متعددی شدند متوجه می‌شوند این گرفتاری‌ها ناشی از وجود این تابوت است، لذا آن را به دو گاو بسته و نزد بنی‌اسرائیل پس می‌فرستند. (اول سموئیل، ۶ - ۴) هرچند ممکن است این واقعه مصادف با انتخاب شائول باشد اما عهد عتیق در داستان انتخاب شائول به پادشاهی هیچ سخنی از آن بیان نکرده است. با توجه به اینکه عهد عتیق حمل‌کنندگان تابوت را گاو بیان کرده، شاید برای جمع بین این دو نقل این نظریه مطرح شده که فرشته‌ها به شکل گاو در آمده بودند.

نتیجه

سبک قصه‌گویی متفاوت قرآن و عهد عتیق تفاوت ساختاری این دو کتاب است؛ قرآن گزیده‌گویی و هدفمندی در نقل‌ها را شیوه خود قرار داده و عهد عتیق تفصیل داستان و جزئیات واقعه و تمام وقایع را گزارش می‌کند. افزون بر این در خود قصه نیز تفاوت نقل دو منبع مشهود است. پس با وجود این تفاوت‌ها شبیه اقتباس در این داستان به کلی منتفی است؛ زیرا تفاوت‌ها به حدی است که مشترکات

دو منبع را تحت‌الشعاع خود قرار داده و گویا دو جریان متفاوت است که بیان شده است. در حکایت عهد عتیق اصول انسانی رعایت نشده و قوم عمالیک به همراه زنان و شیرخوارگان و حیواناتشان به فرمان خدا قتل‌عام می‌شوند. عقل هم‌سو با آیات قرآن خدا را عادل و حکیم می‌داند و لذا بسیاری از اموری که در عهد عتیق رخ داده را نمی‌پذیرد؛ عدالت خدا با فرمان قتل‌عام بی‌گناهان و موجودات دیگر تناسبی ندارد و حکمت خدا باعث می‌شود تا همه کارهای او حکیمانه بوده و پشیمانی هم به دنبال نداشته باشد. و این دو ویژگی در عهد عتیق برای خدا وجود ندارد و لذا اوصاف الهی در عهد عتیق با عقل مخالف است.

یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های قرآن و عهد عتیق شخصیت‌پردازی‌های دو منبع است. در عهد عتیق هیچ‌کس معصوم نبوده و خطاهای بسیاری به انبیا و برگزیدگان نسبت می‌دهد ولی همین شخصیت‌ها در قرآن از گناه مبرا بوده و ویژگی یک الگوی انسانی را دارا هستند و از آنجاکه عصمت انبیا به حکم عقل ضروری است و نمی‌تواند فردی الگوی بشریت باشد که خود گناهکار است، لذا این تفاوت نیز یکی از تفاوت‌های اساسی طالوت در قرآن و شائول در عهد عتیق است.

در روایات تفسیری و نقل تفاسیر نیز تفاوت‌ها و شباهت‌هایی را می‌توان با عهد عتیق پیدا کرد و گاه در این منابع روایات و نقل‌هایی موازی با عهد عتیق به چشم می‌خورد که ضعیف به نظر می‌رسد و می‌تواند در شمار اسرائیلیات قرار گیرد، همانند حسادت طالوت بر داود که تبیین آن از حوصله این مقاله بیرون است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- کتاب مقدس، ۱۹۷۷ م، ترجمه انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.
- آنترن، آلن، ۱۳۹۱، باورها و آئین‌های یهودی، رضا فرزین، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ج ۲.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید، ج ۲.
- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، ۱۳۷۵، تاج التراجم، ج ۱، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله، ۱۴۱۸ ق، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۳، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- تیسن، هنری، بی‌تا، الهیات مسیحی، میکائیلان، بی‌جا، حیات ابدی.
- حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۵ ق، نهج الحق و کشف الصدق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۵.
- خامنه‌ای، سید محمد، ۱۳۸۱، خداشناسی، تهران، تولید کتاب.

- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۹۶۶، *البيان في تفسير القرآن*، نجف، مطبعة الآداب.
- رستگار، قطب‌الدین محمد، ۱۳۸۳، *عدل اصل دوم دین اسلام*، قم، آسیانا، چ ۲.
- زمانی، محمدحسن، ۱۳۸۷، *مستشرقان و قرآن*، قم، بوستان کتاب، چ ۲.
- زمخشری، جارالله محمود، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التاويل*، ج ۱، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۳۷۷، *تنزيه الأنبياء*، قم، دار الشریف الرضی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المشور في التفسير بالمأثور*، ج ۱، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۲، *مبدأ و معاد*، احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *الميزان في تفسير القرآن*، ج ۲ و ۳ و ۱۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الاحتجاج الى اهل اللجاج*، ج ۲، مشهد، نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، ج ۱ و ۲، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البيان في تفسير القرآن*، ج ۲، بیروت، دار المعرفه.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسير الوسيط للقرآن الكريم*، ج ۱، بی جا، بی نا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۴، *کتاب التفسیر*، ج ۱، تهران، مطبعة العلمیه.
- فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، ج ۱، تهران، صدر، چ ۲.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، ج ۱، قم، دار الکتب، چ ۴.
- کائوتسکی، کارل، ۱۳۵۸، *بنیادهای مسیحیت*، عباس میلانی، تهران، سپهر.
- کفاش، حامد و فاطمه شفیعی سروستانی، ۱۳۹۲، *دائرة المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم*، تهران، سایان، چ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، ج ۸، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، ج ۱۰ و ۱۳، بیروت، دار احیاء تراث العربی، چ دوم ۲.
- محمدیان، بهرام (سرویراستار و مسئول مترجمین)، ۱۳۸۱، *دائرة المعارف کتاب مقدس*، تهران، سرخدار.

- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان، ج ۳.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *عدل الهی*، تهران، صدرا، ج ۲۴.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، *صیانه القرآن من التحریف*، تهران، وزارت امور خارجه.
- _____، ۱۳۸۵، *نقد شبهات پیرامون قرآن کریم*، ترجمه حسن حکیم باشی و دیگران، قم، التمهید.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، قم، کنگره شیخ مفید، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نحاس، احمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، *اعراب القرآن*، ج ۱، بیروت، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه.
- ویلسون، برایان، ۱۳۸۱، *دین مسیح*، حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- skolnik, fred, 2006, *encyclopaedia judaica*, v. 20 , new york & London, Thomson gale, second edition.

